

تقاضای خصوصی برای آموزش عالی

Private Demand for Higher Education

تقاضای خصوصی برای آموزش عالی تقاضا برای نوعی سرمایه‌گذاری است و نشان می‌دهد چه عواملی در تقاضا برای رفتن به دانشگاه مؤثر است (عمادزاده، ۱۳۹۷). بی‌شک هزینه‌های آموزش و درآمدهای مادام‌العمر ناشی از آن، که به صورت دستمزد بالاتر تجلی پیدا می‌کند، از عوامل مهم تعیین‌کننده تقاضا به‌شمار می‌آید. شرایط اجتماعی حاکم بر جامعه نیز در تقاضای فردی تأثیر بسزایی دارد. علاوه‌بر آن، سوابق و پشتوانه‌های خانوادگی نیز در رفتن به دانشگاه مؤثر است. تقاضای خصوصی برای آموزش از دو روش برآورد می‌شود:

۱- در روش نخست، تقاضا برای آموزش عالی عموماً تحت تأثیر متغیرهای زیر قرار می‌گیرد (فری من، ۱۹۸۷):

$$Q_d = f(Re, Rne, Age, Fu, T, \dots)$$

در این تابع Q_d مقدار مورد تقاضا برای آموزش عالی، Re نرخ بازده داخلی سرمایه‌گذاری‌های آموزشی، Rne نرخ بازده سرمایه‌گذاری‌های غیرآموزشی، Age سن متقاضی، Fu میزان آینده‌نگری فرد و درنهایت، T سلیقه و ذائقه و رجحان‌های فردی را نمایان می‌سازد. تقاضا برای آموزش عالی تحت تأثیر بازده آن قرار دارد. هراندازه نرخ بازده این سرمایه‌گذاری بیشتر باشد تقاضا برای آموزش عالی بالاتر است. برعکس، هراندازه بازده سرمایه‌گذاری‌های غیرآموزشی بیشتر باشد، تقاضا برای آموزش عالی کمتر خواهد بود. از آنجاکه سرمایه‌گذاری در جوانی سبب خواهد شد تا دوره بازده طولانی‌تر شود، در شرایط مساوی جوانان تمایل بیشتری در رفتن به دانشگاه دارند. افزون‌براین، افرادی که آینده‌نگر هستند و مطلوبیت‌های امروز را فدای مطلوبیت‌های آتی می‌کنند، در شرایط مساوی تقاضای بیشتری برای آموزش عالی می‌کنند. اگرچه نرخ بازده داخلی نقش کلیدی در تعیین تقاضا برای آموزش دارد، لیکن رفتار

افراد نسبت به یکدیگر بسیار متفاوت است. برای برخی به دلیل خاستگاه اجتماعی، آموزش عالی یک ارزش است و آنها به شدت علاقمند به تحصیل هستند. درحالی‌که برای بعضی دیگر رفتن به دانشگاه در اولویت قرار ندارد و آنها ترجیح می‌دهند سریع‌تر وارد بازار کار شوند.

۲- در روش دوم، تقاضا برای آموزش عالی همانند یک تقاضای مشتق است، و به‌طور عمده به کسب مهارت‌ها و درآمدهای بالاتر در بازار کار توجه دارد (استیگلitzer، ۱۹۷۴). در این راستا تقاضا تحت تأثیر متغیرهای زیر قرار دارد:

$$Q_d = f(Hw, Fj, Dc, Inc, \dots, Ne)$$

در این تابع، Q_d مقدار مورد تقاضا برای آموزش عالی، Hw دستمزدهای بالاتر، Fj احتمال یافتن شغل، Dc هزینه‌های مستقیم، Inc هزینه‌های غیرمستقیم و Ne متغیرهای غیراقتصادی هستند. افراد متقاضی آموزش عالی هستند تا از آن طریق بتوانند به درآمدهای بیشتری دست یابند. هراندازه تفاوت دستمزد دانش‌آموختگان دانشگاهی بیشتر باشد، تقاضا برای آموزش عالی بالاتر خواهد بود. کسب مهارت‌های بیشتر امکان یافتن شغل مناسب را ارتقا می‌دهد. علاوه‌براین، تقاضا برای آموزش عالی ارتباط مستقیمی با هزینه‌های آن دارد. شهریه‌های بالاتر بی‌شک تقاضا برای آموزش را کاهش می‌دهد. تقاضا برای آموزش عالی تحت تأثیر هزینه‌های غیرمستقیم یا هزینه‌های فرصتی نیز قرار می‌گیرد (منون، ۱۹۹۸). بدین معنی که حضور در دانشگاه سبب می‌شود تا فرد دیگر نتواند در بازار کار حاضر شود و بنابراین درآمدهایی را از دست می‌دهد. افزون‌بر متغیرهای اقتصادی فوق، تقاضا برای آموزش می‌تواند تحت تأثیر متغیرهای غیراقتصادی نظیر: سنت‌های فرهنگی، موقعیت اجتماعی، تحصیلات والدین و اندازه خانوار قرار گیرد.

کتاب‌شناسی

عمادزاده، مصطفی (۱۳۹۷). اقتصاد آموزش و پرورش، چاپ سی و سوم، اصفهان: جهاد دانشگاهی دانشگاه اصفهان.

Freeman, R. (1987). "Demand for education", *Chapter 6 in Handbook of Labor Economics*, vol. 1, pp 357-386 from Elsevier

STIGLITZ J.E. (1974): "THE DEMAND FOR EDUCATION IN PUBLIC AND PRIVATE SCHOOL SYSTEMS", *Journal of Public Economics*, 3 pp 349-385. North-Holland Publishing Company.

Menon, M. E. (1998). "Factors influencing the demand for higher education: The case of Cyprus", *Higher Education*, 35, 251-266.

مصطفی عمادزاده

گروه اقتصاد دانشگاه اصفهان



دانشگاه اصفهان